

اربعین حسینی از منظر اخلاق و عرفان

محمد حسین مردانی نوکنده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

چکیده

خاستگاه اربعین، حبّ الهی و عشق به ولایت است. اربعین حسینی، خاستگاه اخلاق عرفانی و دلالت‌های تربیتی برای وصول سالک به حضرت حق است. اخلاق عرفانی، از جمله مباحثی است که توجه عالمان اخلاق را به خود معطوف کرده است. اما کمتر، با این رویکرد به رویداد اربعین حسینی توجه شد. روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است و سؤال اصلی تحقیق این است که مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی چیست؟ نتیجه پژوهش حاضر این است که پس از قرآن کریم و سنت، «اربعین حسینی»، یکی از مهمترین خاستگاه «اخلاق عرفانی» است، که «اخلاص، بندگی، عشق به حضرت حق، وصال به محبوب، وحدت اجتماع مسلمین، توبه، ورع، زهد، صبوری، توکل، رضا، ذکر دائم، حب و بغض برای خدا» از جمله آن است.

کلید واژه‌ها: اربعین، اربعین حسینی، اخلاق عرفانی، مؤلفه‌های اخلاق عرفانی.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

مردانی نوکنده، محمد حسین (تابستان ۱۴۰۲). «اربعین حسینی از منظر اخلاق و عرفان». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال ششم، شماره‌ی دوم، پیاپی ۲۲، صص ۹۷-۱۲۲.

^۱ مدرس فلسفه کلاسیک و معاصر، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

ایمیل: Ayate.boostan@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با باریک‌گیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

اخلاق عرفانی، شاخه‌ای از علم اخلاق است که به بررسی رابطه میان انسان با خدا می‌پردازد. تأمل در نسبت میان اخلاق و عرفان، برای عرفان‌پژوهان و پژوهشگران اخلاق از اهمیت شایانی برخوردار است (فنائی اشکوری، ۱۳۹۲: ۶۹). اخلاق عرفانی، شیوه‌نامه‌ی آراستگی به اخلاق الهی است. اخلاق عرفانی، اخلاقی است که از دیرباز با رویکردی سلوکی - عرفانی، به وسیله عارفان ترویج شد. اخلاق عرفانی، مبتنی بر سیر و سلوک و کشف و شهود است، و اخلاقی است که به مقیاس گسترده‌ای از کتاب و سنت بهره جسته است، و اخلاقی است که از هندسه معرفتی - باطنی برخوردار بوده و دارای مؤلفه‌هایی چون توحید، حُب، شهود، و تعهد برخوردار است (رودگر، ۱۳۹۶: ۱۷۷). اخلاق عرفانی، از مهمترین حوزه‌هایی است که از دیرباز مورد توجه عالمان مسلمان بوده است، که به طور ویژه به رابطه‌ی انسان با خدا تکیه دارد.

هدف پژوهش حاضر، تبیین مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی با تأکید بر آیات قرآنی (بقره/۵۱؛ مائده/۲۶؛ احقاف/۱۵؛ اعراف/۱۴۲) است. «اربعین» (عدد چهل)، به عنوان یک دوره‌ی تکامل مطرح است. خاستگاه برپایی مراسم اربعین در ماه صفر، شاید از روایت «علامات المؤمن» از امام صادق علیه‌السلام (الطوسی، ۱۳۶۵: ۱۱۳) و امام حسن عسکری علیه‌السلام (المفید، ۱۴۱۳: ۵۳/۱؛ الطوسی، ۱۳۶۵: ۲۳۶) باشد که ذیل آن، زیارت اربعین را از علامات مؤمن برشمردند.

«عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ عليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُمُ بِالْيَمِينِ وَ تَغْيِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛

«مؤمن پنج نشانه دارد: اقامه ۵۱ رکعت نماز (مجموع واجبات و مستحبات)، و «بسم الله الرحمن الرحيم» را (در نماز) بلند گفتن، در سجده پیشانی بر خاک نهادن، و انگشتر عقیق در دست راست کردن، و زیارت اربعین» (المجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۶/۹۸).

همانطور که جوهره رسالت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله، قرآن و عترت است «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي» (هلالی، ۱۴۰۷: ۷۴۸/۲، ۶۳۶)، نماز ستون دین، و زیارت اربعین و حادثه‌ی کربلا، ستون هدایت است. خلاصه آن که رسالت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، تعلیم کتاب (حکمت) از یک سو، و تزکیه نفوس مردم از سوی دیگر بود، تا هم جاهلان را عالم نماید و هم گمراهان را هدایت کند (جمعه/۲)، و در نتیجه، جهل علمی و جهالت عملی را از جامعه بزداید. همین دو هدف، در متن زیارت اربعین سالار شهیدان علیه‌السلام تعبیه شده است؛ چنان که منشأ ددمنشی دشمنان نبوت، حب دنیا و شیدایی زرق و برق آن بود، چنانچه عامل مهم توحش منکران ولایت امامت نیز حُب و دلباختگی به دنیا بود (جوادی آملی، ۱۴۰۰: ۲۲۱-۲۲۷). اربعین حسینی، مدرسه اخلاق قرآنی و عرفانی است، که می‌توان مؤلفه‌های اخلاق عرفانی و دلالت‌های تربیتی برای رسیدن به کمال مطلوب انسانی را از آن استخراج نمود. بدین منظور اولاً کاربرد (اربعین) در منابع قرآنی-تفسیری، احادیث و فرهنگ و

تاریخ بررسی می‌شود، سپس در سایه درک عمیق از اهمیت آن، به بررسی مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی می‌پردازیم.

۲. پیشینه تحقیق

در این جستار، به مهم‌ترین پیشینه تحقیق اشاره می‌شود: از جمله: «پیاده روی اربعین حسینی؛ جایگاه و کارکردها» (عربی، ۱۳۹۸: ۴۸-۴۶)؛ پس از معرفی جابر به عنوان اولین زائر قبر امام حسین علیه‌السلام و بیان روایات استحباب زیارت پیاده، به بیان مسئله اصلی خود می‌پردازند. «بازکاوای چله نشینی در ساختار عرفان اسلامی ایرانی» (کوچکیان، ۱۳۹۶)، «فلسفه اربعین حسینی؛ زیارت و پیاده‌روی» (خان محک، ۱۴۰۱)، «منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی» (درویان، ۱۳۹۷: ۵۸)؛ «پیاده‌روی اربعین حسینی، به مثابه جنبش اجتماعی» (هشجین، ۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر راهپیمایی اربعین حسینی در ترویج فرهنگ حسینی و تمدن شیعی» (اکوانی، ۱۳۹۹: ۱۳۲)، «چهل» (کرباسیان، ۱۳۹۸)، که اغلب با طرح بحث از روایات «علامات المؤمن خمس» و روایات بیانگر اولین زیارت کننده‌ی اربعین یعنی جابر بن عبدالله انصاری؛ به بیان مطلب خود می‌پردازند. با بررسی متن و ارجاعات مقالات، دریافتیم که اغلب از مقاله‌ی «پیام اربعین در زیارت اربعین» (پاکنیا، ۱۳۸۸) تأثیر گرفته اند.

«نظریه عرفانی اخلاق» (اشکوری، ۱۳۹۲)، «اخلاق عرفانی قرآن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی» (الهی منش، ۱۳۹۶)، «نظریه اخلاق عرفانی عطار نیشابوری» (مهدی پور، ۱۳۹۵)، «کنکاشی در اخلاق عرفانی امام خمینی(ره)» (ملایوسفی، ۱۳۹۵)، «ماهیت و مؤلفه‌های اخلاق عرفانی» (رودگر، ۱۳۹۶)، که با بررسی آنها مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی استخراج شد.

به عنوان مثال: (رودگر، ۱۳۹۶، ۱۸۵/۴۰) می‌نویسد: اخلاق عرفانی، دارای هویت و ماهیتی است که مؤلفه‌هایی مانند توحیدی بودن، عبودی بودن، عاشقانه بودن، تعلقی، تخلقی و تحقیقی بودن، سلوکی بودن، شهودی و وصالی بودن، وحدتی بودن، اجتماعی - سیاسی بودن... را دارا است. در صورتی که (ملایوسفی، ۱۳۹۵: ۱۲۱/۷۰)، «نفس، فضیلت و سعادت» را به عنوان مؤلفه‌های اخلاق عرفانی ذکر می‌کند. بدین منظور، ضمن بیان چیستی اخلاق عرفانی و مؤلفه‌هایش، اهمیت و جایگاه اربعین نیز مطرح گردید. با بررسی پیشینه دانسته شد که بررسی «مؤلفه‌های اخلاق عرفانی در اربعین حسینی با تأکید بر آیات قرآنی» تاکنون کمتر مورد بررسی شده و از نوآوری برخوردار است.

۳. اربعین در قرآن کریم

درباره‌ی واژه اربعین، در منابع تفسیری، معانی چندی مطرح است، که در این جستار به برخی از آنها اشاره می‌شود:

«اربعین» در قرآن کریم از بسامد برخوردار است.

۱. رشد کامل انسان در قرآن کریم در چهل سالگی بیان شده است: «... حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (احقاف/۱۵).

۲. حضرت موسی علیه السلام چهل روز با خداوند نیایش کرد تا تورات را دریافت کرد: «وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِئَمٍ مِّمَّاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (اعراف/۱۴۲).

۳. مشیت الهی برای آزمایش قوم بنی اسرائیل، چهل روز غیبت پیامبرشان بود: «وَإِذْ وَاوَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره/۵۱). عذاب قوم موسی علیه السلام، چهل سال سرگردانی در بیابان بود: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ» (مائده/۲۶).

علامه طباطبائی آوردند: خداوند بخاطر سرکشی آنان، چنین مقدر کرد که تا چهل سال نتوانند وارد آن شوند (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۴۷۹/۵). البته برخی دلیل این چهل سال سرگردانی را تغییر نسل قبلی با نسلی جدید دانسته‌اند (رازی، ۱۳۷۶: ۳۱۹/۶).

برخی دیگر، عذاب چهل ساله را نتیجه روزهای گوساله پرستی می‌دانند (الطبرسی، ۱۳۵۹: ۲۷۸/۶)، که در این صورت باید بر نظریه‌ای که می‌گوید بنی اسرائیل روز را یک روز، و شب را روزی دیگر محاسبه می‌کردند معتقد بود (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۸۶/۱).

بنابراین حرمت نگاه نداشتن آنان بر چهل روز غیبت حضرت موسی علیه السلام، سبب شد که چهل سال در عذاب بمانند. ولی علت تبدیل روز به سال، بخاطر کفران نعمت رهایی از ظلم فرعون و نعمت‌هایی که به آنها داده شده بود، و این که گفتند ما همان پیاز و عدس خودمان را می‌خواهیم؛ و اینکه با کمال جسارت نسبت به خدا و پیامبر خدا گفتند: یا موسی! تو و پروردگارت بروید [با آنان] بجنگید که ما در همین جا نشستیم: «قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (مائده/۲۲-۲۴). چون بنی اسرائیل، سخن ناروایی بر زبان جاری کردند، ورود به سرزمین مقدس تا چهل سال بر آنان حرام شد، و بنی اسرائیل از موسی خواستند که در میان‌شان بماند و از خداوند بخواهد تا توبه آنان را قبول کند. موسی علیه السلام گفت، همانطور که قبلاً گفته‌ام بکیفر نافرمانی و اینکه گفتید با خدای خود برو و جهاد کن باید مدت چهل سال در این بیابان تیه بمانید (بروجردی، ۱۳۶۶: ۱۹۰/۲).

علامه معتقد بودند که یهودیان بخاطر عدم رعایت ادب در برابر خداوند و موسی علیه السلام، دچار عذاب سختی شدند (المجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۵/۱۳). آنها می‌توانستند با خواهش از خداوند و پیامبر خود بخواهند که اگر امکان داشته باشد راه را هموار کرده و ترس‌شان را بریزد. نه این که با لحنی جبارانه بگویند: هرگز وارد نخواهیم شد تا تو و پروردگارت بروی با جباران بجنگی، و ما هم اینجا می‌نشینیم. گویی خدا و رسولش را نوکران خود پنداشته که حتی حاضر به کمک آنان نیز نبودند، بلکه معاذالله بدون تلاش می‌خواستند از آنها بهره‌کشی کنند. آنان چه زود فراموش کردند زورگویی‌ها و جنایات و ظلم‌های فرعون را و به جای روحیه شکرگذاری، روحیه‌ی طلب کارانه‌ای از خود بروز دادند. گویی انسان‌های مرفه و آقا زادگانی بودند که موسی علیه السلام و خدایش آنان را به بردگی کشانده و از آن سرداران غیور برای فتح الفتوح و گسترش دامنه حکومت خود استفاده می‌نمودند.

۴. شیطان دستش را به صورت کسانی که به چهل سالگی برسند و از گناه توبه نکنند می‌کشد و می‌گوید: پدرم فدای چهره‌ای باد که هرگز رستگار نمی‌شود، در چهره این انسان نور رستگاری نیست. همچنین انسان لایق و با ایمان هنگامی که به چهل سالگی رسید سه چیز را از خدا تقاضا می‌کند:

«حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً، قَالَ: رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدِيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»؛

«هنگامی که به رشد برسد و به چهل سالگی در آید، گوید: پروردگارا مرا توفیق ده تا شکر نعمت را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم، و اعمال صالحی انجام دهم که تو را خشنود سازد و فرزندانم را صالح کن» (أحقاف/۱۵).

این تعبیر نشان می‌دهد که انسان با ایمان، در چنین سن و سالی، هم از عمق و وسعت نعمت‌های خدا بر او آگاه می‌گردد، و هم از خدماتی که پدر و مادر به او کرده است تا به این حد رسیده است. چرا که در این سن و سال معمولاً خودش پدر یا مادر می‌شود، و زحمات طاقت‌فرسا و ایثارگرانه آن دو را با چشم خود می‌بیند، و بی‌اختیار به یاد آنها می‌افتد و بجای آنها در پیشگاه خدا شکرگزاری می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱/۳۳۹).

۵. خدا در برابر کارهای نیک افراد چهل ساله، سه پاداش اساسی به آنان می‌دهد: ۱. بهترین اعمال آنها (یعنی واجبات و مستحبات) را می‌پذیرد، یا براساس بهترین اعمالشان به اعمال دیگرشان پاداش می‌دهد؛ ۲. از بدکاری‌ها و گناهان گذشته‌ی آنان می‌گذرد؛ ۳. آنان را در میان اهل بهشت جای می‌دهد. سن چهل سالگی، نقطه‌ی عطفی در زندگی بشر است و در احادیث آمده است که اگر کسی به چهل سالگی برسد و خیر او بر شر او غلبه پیدا نکند، برای دوزخ آماده شود. نیکوکاران چهل ساله، هم برای خود دعا می‌کنند و هم به پدر و مادر و فرزندان خویش، یعنی در دعاها خودمحور نیستند و خدا نسبت به انسان‌های چهل ساله نیکوکار و توبه‌کار، عنایت خاصی دارد و

بخشش گناهان، قبولی اعمال و بهشتی شدن، از پاداش‌های چهل سالگان نیکوکار است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۰۳/۱۹). چهل سالگی، قله توانمندی و رشد انسان است (قرائتی، ۱۳۷۴: ۳۴/۹).

۶. بلوغ در چهل سالگی، عادتاً ملازم با رسیدن به کمال عقل است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۰۵/۱۸؛ کاشانی، ۱۳۸۸: ۲۷۶/۵). برخی گفتند: رشد عقلی از ۳۳ سالگی شروع می‌شود. برخی گفتند: از ۳۰ سالگی و نهایت آن چهل سالگی است، و آن زمانی است که بر پیامبران وحی نازل می‌شود (الطبرسی، ۱۳۷۴: ۱۴/۶).

۷. برای موسی علیه السلام سه اربعین ذکر شده است: ۱. اربعین میقات ۲. اربعین شفاعت ۳. اربعین ضراعت، که رفع طور در این اربعین بوده؛ در سفر خروج باب (۱۸/۲۴) می‌نویسد:

«و موسی به میان ابر داخل شده، به فراز کوه برآمد و موسی چهل روز و چهل شب در کوه ماند» (بلاغی، ۱۳۸۶: ۲۶۹/۲).

۴. فلسفه اربعین

برخی اربعین را نوعی رمز از جانب پروردگار شمرند که هم در قهر و هم در لطف الهی بکارمی‌رود مانند وعده چهل شب پروردگار با موسی برای نازل کردن تورات به او، و عذاب چهل ساله الهی برای قوم یهود (قرائتی، ۱۳۷۴: ۲۷۳/۲). عبادت در چهل شب و به دور از مردم، دارای آثار خاصی است که در دریافت وحی و الهامات روحانی نقش دارد (همان: ۱۱۵/۱). خدا وعده‌گاه‌ها و دوره‌های خاصی برای بندگان ویژه خویش دارد که در این دوره‌ها آنان را تربیت می‌کند، و پرورش می‌دهد. در این میان، دوره‌های چهل روزه اهمیت ویژه‌ای دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۶۶/۱، ۱۶۲/۳).

عدد چهل در سیر و سلوک به‌سوی خدا دارای اسراری است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۲۸/۷). خلوص قلب و اخلاص عمل و جوارح در چهل شبانه‌روز و پرهیز از لغزش و گناه، سبب صفای روان و بهره‌وآفری از فیوضات معنوی خواهد شد (حسینی همدانی، ۱۳۸۰: ۱۴/۷). گاهی خود عدد چهل، موضوعیت دارد و خواص آن در جایی است که متوالی باشد. از این رو، ختم‌ها و دعاهایی که چهل بار خواندن آنها توصیه شده است، وقتی مؤثر می‌شود که این عدد در یک مجلس باشد (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۰۳/۴).

۵. اربعین در حدیث

در روایات نیز می‌توان معانی متعددی را برای اربعین جستجو کرد:

۱. حضرت آدم علیه السلام پس از خوردن از درخت ممنوعه، چهل روز گریه کرد (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۶/۴۲۶/۲).
۲. آدم علیه السلام بعد از هبوطش به زمین در فراق بهشت و مرگ فرزندش هابیل چهل روز گریست (المجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱/۱۶۲، ۴۴).
۳. پس از نزول عذاب بر قوم نوح، به مدت چهل شبانه روز باران شدیدی بارید (پیدایش: ۱۲/۷).
۴. مهلتی که به فرعون برای بازگشت داده شده، چهل روز بوده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۴۸۹/۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱۱/۵۳۹).
۵. حضرت داود و سلیمان، چهل روز گریستند (المجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۹۵/۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۷۴/۵).
۶. کمال رشد انسان در چهل سالگی است (الطبرسی، ۱۳۵۹: ۲۲/۳۹۶).
۷. کسی که چهل حدیث حفظ کند، در روزه جزا دانشمند محشور می شود (المجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳/۲).
۸. یکی از نشانه‌های مؤمن این است که به زیارت اربعین باریابد (الطوسی، ۱۳۶۵: ۱۱۳؛ المفید، ۱۴۱۳: ۵۳/۱)، که برخی نیز آن را به زیارت چهل مؤمن در روز گرفتند.
۹. برخی روایات مراحل تکامل جنین (نطفه، علقه و مضغه...) را دوره چهل روزه بیان می کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۱۶/۷، ۴/۱۳/۶؛ المجلسی، ۱۴۰۳: ۶۰/۳۴۴/۳۱؛ صفی علی شاه، ۱۳۷۸: ۲۱).
۱۰. بعضی دیگر دوره شکل گیری گل آدم علیه السلام را چهل روز بیان می کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۷/۲).
۱۱. روایاتی نیز از بقای چهل روزه تأثیر خوراکی و آشامیدنی در بدن یاد می کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۴۰۲/۱۲؛ برقی، ۱۳۷۴: ۲/۳۲۹).
۱۲. برخی روایات از جاری شدن حکمت بر زبان در صورت اخلاص برای خدا یا مصرف غذای حلال بیان فرمودند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود، «هر کس چهل روز (نیت، خوراک، زهد) خود را برای خدا خالص گرداند، چشمه‌های حکمت از قلب و درونش می جوشد و بر زبانش جاری می شود» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱/۶۹/۳۲۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۶/۶؛ غزالی، ۱/۲۰؛ العراقی، ۱۴۲۶: ۱/۱۷۴۷، ۵۳۶، ۱۵۷۶؛ حلی، ۱۴۰۷: ۳۳۲؛ قرائتی، ۱۳۷۴: ۳/۱۶۴).
۱۳. کسی که چهل روز دعای عهد بخواند، از یاوران امام زمان عجل الله تعالی به شمار می رود (المشهدی، ۱۴۱۹: ۶۶۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۷: ۴۵۵؛ المجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳/۹۵/۱۱۱). امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس چهل صبح «دعای عهد» بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت، بمیرد خداوند او را از قبر بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد» (قمی، ۱۳۸۶: ۵۳۹):

البته این آثار مقید است به اینکه اعمال و رفتار دیگر او درست و مطابق موازین شرع باشد؛ زیرا انسان باید با حقیقت این دعا انس داشته باشد تا بتواند با خدای خود عهد کند (رضوانی، ۱۳۹۰: ۵۰۳).

۱۴. استحباب آب ریختن بر روی قبر اختصاص به زمان دفن دارد، جز آنکه امام رضا علیه السلام توصیه فرمودند که تا چهل ماه یا چهل روز آب ریختن بر روی قبر ادامه پیدا کند (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۳۳۹۳/۱۹۷/۳-۶).

۱۵. پیامبر اکرم صلوات الله علیه وآله پس از نزول آیه تطهیر، تا چهل روز مقابل خانه صدیقه طاهره سلام الله علیها می‌ایستاد و سلام می‌کرد (الطوسی، ۱۳۸۸: ۴۴۷/۵۵۲).

۱۶. خداوند با ابتلاء مؤمن اجازه نمی‌دهد که آثار گناه در وجودش در چهل روزه باقی بماند (کراچکی، ۱۴۱۰: ۶۳؛ التمیص، ۱۴۰۴: ۷/۳۱).

۱۷. تا چهل روز، نماز شراب خوار و حرام خوار و غیبت کننده مقبول نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶-۱۲/۴۰؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۶۳۲؛ الحاکم، ۱۴۱۱: ۷۲۳۶/۱۶۳/۴؛ الترمذی، ۱۳۹۵: ۲۹۰/۴؛ الطبرانی، ۱۴۱۵: ۱/۱۱۷، ۳۱۱/۶: ۶۴۹۵؛ الطبرسی، ۱۳۶۵: ۱۸/۲؛ المجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۸/۹۳؛ الشعیری، ۱۲۶۷: ۱۴۹).

۱۸. احتکار آذوقه مردم و یا اسباب موسیقی در مدت چهل روز موجب بیزاری خداوند از محتکر و باعث دوری از رحمت خدا و وارد شدن در دایره سخط خدا بیان شده است (البروجردی، ۱۴۱۵: ۶۶/۱۸؛ الحکیم، ۱۴۱۶: ۳۰۳/۱؛ المستغفری، ۱۳۸۵: ۲۴).

۱۹. مصرف گوشت در چهل روز پی در پی سبب قساوت قلب می‌شود، و عدم مصرف مستمر آن در مدت چهل روز نیز موجب ضرر رساندن به بدن شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۰۹/۶؛ برقی، ۱۳۷۱: ۴۶۵/۲؛ ابن بسطام، ۱۳۷۵: ۱۳۹؛ القمی، ۱۳۷۴: ۹۹).

۲۱. زمین، چهل روز با مرگ مؤمن می‌گرید (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸/۱؛ الصابونی، ۱۴۰۲: ۳۰۳/۲).

۲۲. برخی روایات تأکید دارند که آسمان تا چهل روز بر حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا گریسته است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۹۰؛ المجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸/۲۱۰/۴۵).

زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام در روز اربعین از نشانه‌های ایمان و از مختصات شیعه می‌باشد، و امام حسن عسکری علیه السلام آن را به‌عنوان شعار و علامت شیعه بیان فرموده‌اند. چنانچه سر بر خاک گذاردن، و بسم الله را بلند گفتن، و نوافل را طبق دستور ائمه معصومین علیهم السلام بجای آوردن، و انگشتر در دست نمودن نیز از آن جمله است.

۶. اربعین در منابع فرهنگی و تاریخ

۶-۱. چهل در شاهنامه

سیندخت چهل تخت دیبای زرین جواهرنشان به عنوان جهیز به رودابه داد. رستم هنگام جنگ با اکوان دیو، ۴۰ پهلوان را می‌کشد. داراب چهل جاثلیق را می‌کشد، و ۱۰۰ هزار شمش چهل مثقالی خراج از روم می‌گیرد. انوشیروان نیز، در خواب نردبانی چهل پله می‌بیند که از حجاز برآمده، و جهان را منور ساخته است.

۶-۲. چهل در زمان (چهل روز جنگیدن یا چهل سال عبادت کردن)

حاتم، چهل سال از میوه‌ی مکه نخورد. بشر حافی ۴۰ سال آرزوی بریان داشت و ۴۰ روز در زندان بود. جنگ اردوان و اردشیر ۴۰ روز طول کشید. دوران حمل، ۷ دوره ۴۰ روزه است که طی آن، به کمال می‌رسد؛ در روم قدیم نیز دوره‌ی قرنطینه کشتی‌های تازه‌وارد ۴۰ روز بوده و اساساً واژه قرنطینه از «کوران‌تین» یونانی و به معنای چهل گرفته شده است. در متون پیش از اسلام نیز آمده است که نطفه کیومرث ۴۰ سال در زمین ماند. خداوند برای آنکه موجودی کامل بسازد، به مدت ۴۰ سال گل انسان را سرشت. در متون مقدس نیز عدد ۴۰ حضور بارز دارد، به‌خصوص در تورات که صیغه بابلی تقدس این عدد را بیشتر نشان می‌دهد.

در عهد عتیق ۴۰ به معنای یک نسل بوده است. در زمان یونس علیه‌السلام امتحان نینوا ۴۰ روز طول کشید. مقدس اردبیلی چهل سال، گرد فعل مباح هم نگشت چه رسد به مکروه و حرام (کرباسیان: ۱۳۹۸).

۷. یافته‌ها و بحث

در این جستار به برخی از مصادیق اخلاق عرفانی در اربعین حسینی اشاره می‌شود، تا الگویی برای جامعه بشری، به ویژه پیروان ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام باشد.

۷-۱. ماهیت سلوکی مراسم اربعین

مراسم اربعین از آغاز تا انتها ماهیتی سلوکی دارد، یعنی فردی که از ابتداء مسیر ترک خانه و کار و دیار کرده تا به عشق امام حسین علیه‌السلام در این مراسم شرکت کند، مقامات عرفانی را از تخلیه آغاز می‌کند تا به وصال یا بقاء فی المعشوق برسد، که در ذیل به مراحل آن اشاره می‌شود:

۱-۱-۷. مرحله اول، تجلیه است، چنانچه فرمودند: «إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي»، مرحله اول، توجه است، توجه نفس و بیدار کردن آن نسبت به معشوق (صفی پوری، ۱۳۹۶: ذیل واژه تجلیه). این توجه، در عرفان به «وقت» نیز مشهور است (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

۲-۱-۷. مرحله دوم، تخلیه است، «وَعَلَيْكَ حَلَفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا حَوَّلْتِي» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۰۹/۱)، ترک خانواده و دارایی انسان، که همان تهی ساختن درون از وابستگی‌ها می‌باشد.

۳-۱-۷. مرحله سوم، تخلیه است، که شامل آراستن خود به زیورهای اخلاقی است. فرد در طی برگزاری مراسم اربعین با تفکر و تدبیر و توجه به مضامین ادعیه ماثور و ادکار و اتفاقات روز عاشورا و پس از آن، علی‌الخصوص ایجاد حس همدردی بیشتر با اهل بیت ایشان در طی مسیر نجف تا کربلا، سعی بر ایجاد انس و الفت بین خود و خاندان وحی کرده، و آثار تخلیق به اخلاق آنان در حرکات و سخنان او خودنمایی می‌کند، چه خود مسیر نیز این ویژگی را داد و به انسان القاء می‌کند.

۴-۱-۷. مرحله چهارم، فناء و بقاء است، فناء موجود، فناء آثار وجودی اوست، فرد در رسیدن به این جایگاه آثار وجودی خود را از جمله سخن لغو، و حرکات لغو... را کنار گذاشته و متخلقی به آثار وجودی معشوق می‌گردد که برخی حدّ اعلی آن را اتحاد عاشق و معشوق بیان کرده‌اند (صناعی، ۱۳۸۸: ۱۸۸). فرد در رسیدن به کربلا، پس از طی این مراحل، و این پیاده روی در همان صحرا، و پس از طی مراحل سیر و سلوک خود، به مقدار سعی و استعداد و ظرفیت خود، اغلب هنگام رسیدن به حرم مطهر، از خود بی‌خود شده و جز اباعبدالله الحسین علیه‌السلام چیزی نمی‌بیند، و هر چه هست اوست. این حالت ممکن است برای همه رخ نداده یا از چند ثانیه تا چند دقیقه در آن حال استقرار یابد، ولی برای برخی، به صورت حال دائم و قائم یا همان مقام درآمده و ایشان به مقام فناء فی الله و بقاء به الله می‌رسند (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

۲-۷. تجلی آیه اخلاص

اربعین حسینی، مراسمی است که هر ساله مردم (غالباً) مسلمانان، از سراسر دنیا برای برگزاری آن در نجف و کربلا حاضر می‌شوند، مردم در این مراسم یا زائر هستند یا خدمت‌رسان. زائران، اغلب مسافرانی هستند که به عشق بزرگداشت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام به زیارت ایشان می‌شتابند، خدمت‌رسانان نیز اغلب مجاوران یا موکب‌داران هستند که از این جمعیت چند ده میلیونی پذیرایی می‌کنند. برخی افراد، بخشی از درآمد سالشان را برای خدمت به زائران حسینی در مراسم اربعین اختصاص می‌دهند، برخی خانه‌های خود را در این ایام به استراحتگاه زائران اختصاص می‌دهند، که عشق و اخلاص واقعی را می‌توان اینجا یافت، زیرا هیچ پول و خدماتی در مقابل آن دریافت نمی‌کنند. زائران هم همینطور مبالغی را هزینه سفر کرده، تا به زیارت بیابند، بدون این که پول و خدماتی دریافت کنند، بلکه باید هزینه و زمان نیز صرف کنند. این خود بزرگترین تجلی عشق و اخلاص است که

شاید تنها جایی که مثال آن را بتوان دید، در عشق مادر به فرزندش باشد. اخلاص در قرآن کریم فراوان بیان شده است، تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به خالص گرداندن دین خود برای پروردگار می شود «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر/۱۱). از این رو مراسم اربعین تجلی آیه ی اخلاص «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ» (بینه/۵) می باشد. تمام یا قریب به اتفاق افرادی که در این مراسم شرکت می کنند مسلمان هستند، ولی توحیدی بودن یک مراسم، به توحیدی بودن هدف و انگیزه شرکت در آن است. افرادی که در این مراسم شرکت می کنند، به عنوان زائر یا خدمت‌رسان، هدف و انگیزشان الهی و به عشق سالار شهیدان است.

۷-۳. تبلیغ ولایت

ولایت یعنی پذیرش حکم روایی خدا و اولیای خدا بر جامعه بشری. ولایت یکی از فضایل اخلاق عرفانی است که در قیام حسینی و پیاده روی اربعین بارز است. امام حسین علیه السلام با پذیرش ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، بر عدالت الهی پافشاری کرده و با نافذ کردن حکم خدا، برای دفاع از حق و عدالت قیام کرد. او همچنین با پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام، برای نجات اسلام و بشریت محفوظ نگه داشتن آن، جان و مال و فرزندان خود را فدا کرد. زائران اربعین نیز با پذیرش ولایت خدا و اولیای خدا، به زیارت سیدالشهدا علیه السلام میروند. آنها با عشق و اطاعت به امام حسین علیه السلام، برای نصب العین دیدن قبر او، همه مشقات را تحمل می کنند. آن ها همچنین با پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام، برای تبلیغ اسلام و نشان دادن مقاومت در برابر ظلم، شجاعت و صبر خود را به رخ می کشند. راهکار دستیابی به ولایت، عبارتند از: ایمان به خدا و پذیرش توحید؛ ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و پذیرش نبوت؛ ایمان به ائمه علیهم السلام و پذیرش امامت؛ ایمان به مؤمنان و پذیرش برادری؛ ایمان به صالحان و پذیرش تقوا.

۷-۴. تجلی آیه ی محبت

عشق یعنی دل‌بستگی قلبی و روحانی به خدا و اولیای خدا. عشق نیز یکی از فضایل اخلاق عرفانی است که در قیام حسینی و پیاده روی اربعین محور مهم است. امام حسین علیه السلام با عشق به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، همه جان و مال و فرزندان خود را در راه خدا فدا کرد و با عشق شهادت پذیرفت. زائران اربعین نیز با عشق به امام حسین علیه السلام و ائمه علیهم السلام، همه جان و مال و زمان خود را در راه زیارت صرف می کنند و با شور و شوق زیارت مقامات مختلف را طلب می کنند. راهکار دستیابی به عشق، یاد و ذکر خدا و اولیاء خدا و مطالعه سیره آن ها است. یکی از مؤلفه های اخلاق عرفانی، عشق به ولایت است. چیزی جز محبت نمی تواند زائر را خالصانه در این مراسم با جان و

دل شرکت دهد. اینها مصداق قومی هستند که خدا در قرآن فرمود: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»، خداوند در آینده جمعیتی را می‌آورد، که آنها را دوست دارد و آنها (نیز) او را دوست دارند (مائده/۵۴). آنها علی^{علیه‌السلام} و شیعیان او هستند (کوفی، ۱۴۱۰: ۱/۱۲۳). مراسم اربعین بزرگترین جلوه و تجلی آیه‌ی محبت می‌باشد.

۷-۵. تجلی آیات سیر و سیاحت

خداوند در چهارده آیه به سیر و سیاحت با هدف «عبرت‌گیری از سرنوشت مجرمان، مکذبان و پیشینیان» (نمل/۶۹؛ آل عمران/۳۷؛ روم/۴۲) و «جهت بیداری دل‌ها» (حج/۴۶) و «درک معاد» (عنکبوت/۲۹) دستور فرموده است. مراسم اربعین خود سیر و سیاحتی است که مصداق تام آیات سیر است. همچنین با توسل به امامان معصوم^{علیهم‌السلام} دلش از خواب غفلت رهایی پیدا می‌کند، و دائماً به یاد معاد و آخرت است، زیرا امید به شفاعت حضرت اباعبدالله الحسین^{علیه‌السلام} در آخرت دارد.

۷-۶. پذیرش با قلب و جان

متخلق شدن به اخلاق و قبول با قلب و جان، از مؤلفه‌های اخلاق عرفانی است، زائرانی که نتوانستند در واقعه کربلا حضور داشته باشند، و به ندای (مشهور) «هل من ناصر ینصرنی» اباعبدالله الحسین^{علیه‌السلام} پاسخ دهند، امروز با شرکت در بزرگداشت آن روز (اربعین)، خود را به ساحت مقدس معشوق، عرضه می‌دارند و با ندای «يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكَ فَنَفُوزًا فَوْزًا عَظِيمًا» (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۳/۵۹۸) بیان می‌دارند که کاش بودیم و شما خانواده وحی را یاری می‌دادیم. ایشان لبیک گویان وارد حائر مقدس شده و ندای لبیک یا حسین را از عمق جان سر میدهند. عاشقان اباعبدالله الحسین^{علیه‌السلام} سعی می‌کنند خود را به اخلاق اهل بیت^{علیه‌السلام} متخلق کنند. آنان درس شجاعت، درستکاری، وفا و از خودگذشتگی را از مولای خود با جان آموخته، و بدین وسیله سعی می‌کنند به معشوق خود نزدیک‌تر شوند. ایشان قلباً مفاد ادعیه مأثور از جمله «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ يَا أُمَّةَ وَآهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/۶۰۹) را نه تنها با قلب بلکه با روح خود می‌آیند.

۷-۷. پویایی و حرکت

«إِنَّ لِقَاتِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا». در واقعه شهادت اباعبدالله الحسین^{علیه‌السلام}، حرارتی در دل‌های مؤمنان ایجاد می‌شود که هرگز خاموش نمی‌شود، این که سالیانه، مراسم اربعین حسینی تکرار می‌شود، خود بزرگترین دلیل پویایی آن است، هر سال میلیون‌ها نفر از سال قبل

بیشتر در این مراسم شرکت می‌کنند و در دنیا بی‌مانند است، که نه تنها در حدی ثابت نمی‌ماند، بلکه دائم در حال افزایش است.

۷-۸. اجتماع مؤمنان با محور ولایت

اجتماع حول محور عشق اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، مردم مختلف را حول محور خود چنان جمع کرده که گویی آنان برادرانی خونی هستند. زائران، خادمان و تمام اقشاری که با اخلاص در این مراسم خدمت می‌کنند، همه بیانگر اتحاد حول محور واحد دارد. این افراد به مثابه تکه‌های یک کل هستند که با محبت و عاطفه به هم و با هم برای بزرگداشت امام، گرد هم آمده و به بزرگداشت این روز می‌پردازند تا مبدا اتفاقات عاشورا کمرنگ شود. خداوند کریم، مؤمنان را برادر یکدیگر خوانده و فرمود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات/۱۰)، بنظر می‌رسد پس از داستان مهاجرین و انصار، بزرگترین تجلی این برادری، در اربعین جلوه‌گر باشد. چه افرادی که با خانه‌های خود از زائران پذیرایی می‌کنند و چه افرادی که با تأمین ضرورت‌های سفر، خالصانه به برادران دینی خود خدمت می‌کنند. اباعبدالله الحسین علیه‌السلام تجلی سوره فجر می‌باشند (بحرانی، ۱۳۸۹: ۱۷/۹۷) و صاحب نفس مطمئنه. تجلی آیه قرآن، مانند قرآن هدایتگر است، از این باب ایشان عامل هدایت اقشار بشر به صورت عام می‌باشند.

۷-۹. توبه و بازگشت به حضرت حق

توبه به معنای پشیمانی از گناهان و رفتارهای نادرست و قصد جدی برای اصلاح خود است. توبه نیز یکی از فضایل اخلاق عرفانی است که در قیام حسینی و پیاده‌روی اربعین مورد توجه است. امام حسین علیه‌السلام با دعوت به توبه، همه مردم را به سوی خدا و راستی فراخواند و حتی در روز عاشورا، برخی از سپاه یزید مانند حر توبه کردند، به صف امام علیه‌السلام پیوستند. زائران اربعین نیز با دعوت به توبه، همه مردم را به سوی خدا و پاکسازی از گناهان دعوت می‌کنند و حتی در راه زیارت، برخی از گناهکاران توبه می‌کنند و به صف نیکان ملحق می‌شوند. راهکار دستیابی به توبه، قبول گناهان و استغفار و عزم برای جلوگیری از تکرار آنها است.

۷-۱۰. زهد و ورع

زهد و پرهیزگاری، انواع زیادی دارد، که بالاترین حدش، ورع، به معنای توقف هنگام شبهه است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/۲۶۰) یعنی حتی در آن چیزی که صحتش را نمی‌دانیم، وارد نشویم و توقف کنیم. مثلاً راستی سخنی را نمی‌دانیم و یا از کیفیت چیزی باخبر نیستیم، آن حرف را بیان نکنیم، و

حکم به کیفیت آن ندهیم، این می‌شود ورع و پرهیز در آخرین حدّ خود، که از مؤلفه‌های اخلاق عرفانی بیان شده است. زائر اباعبدالله الحسین علیه‌السلام از هر آنچه در عشق به معشوق و تخلق به آداب او، ممکن است وی را دور کند، دوری می‌کند که هیچ، حتی اگر نداند فعلی یا حکمی یا حرفی، چه اثری در عشق به معشوق خود دارد، از آن پرهیز کرده و خود را به اشتباه نمی‌اندازد.

۷-۱۱. صبر، استقامت و تسلیم

صبر یعنی تحمل گرفتاری‌ها و مصائب با استقامت و شکیبایی. صبر یکی از مؤلفه‌های اخلاق عرفانی است که در قیام حسینی و پیاده‌روی اربعین آشکار شده است. امام حسین علیه‌السلام و یارانش با صبر و استقامت، همه آزمایش‌ها و سختی‌های کربلا را پشت سر گذاشتند و با شجاعت در راه خدا جان فشانی کردند. زائران اربعین نیز با صبر و شکیبایی، همه مشقات و محن راه زیارت را تحمل می‌کنند و با عشق به سیدالشهدا علیه‌السلام در این مسیر عشق وارد می‌شوند. راهکار دستیابی به صبر، تذکر و درک نعمت‌ها و حکمت‌های الهی است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از گناه، که میان هر درجه به اندازه فاصله میان قعر زمین تا پایان عرش است (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۵/۱۴۵/۳). تمام سه قسم صبر، بر زائران اباعبدالله الحسین علیه‌السلام صادق است. ایشان کسانی هستند که بر مصیبت واقعه کربلا و شام صبر می‌کنند تا منتقم آن بیاید، هم‌چنان بر انجام طاعت الهی صبر می‌کنند و آنها را از حلال و حرام و با سختی‌های خودش انجام می‌دهند، و هم‌چنان از گناهان دوری کرده تا مورد محبت معشوق خود واقع گردند، که حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در بالاترین مقام صبر قرار دارند (ما رایت الا جمیلا) (مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۵/۲).

۷-۱۲. توکل

توکل یعنی اعتماد به خدا و سپردن کارها به او. توکل یکی از فضایل اخلاق عرفانی است که در قیام حسینی و پیاده‌روی اربعین به نمایش گذاشته شده است. امام حسین علیه‌السلام با توکل به خدا و بدون ترس از دشمنان، برای دفاع از حق و عدالت قیام کرد و در میدان کربلا شهادت گرفت. زائران اربعین نیز با توکل به خدا و بدون توجه به مشکلات و خطرات، برای زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام مراسم اربعین حسینی را برگزار می‌کنند. راهکار دستیابی به توکل، شناخت زائر نسبت به امام، تقوای الهی و عمل به فرامین او است. که اگر شناخت او کامل شود، زیارت او مقبول می‌گردد. زائر اباعبدالله الحسین علیه‌السلام از اول مسیر خود، بر خدا توکل کرده، خانه و مال و زندگی خود را رها کرده و جان خویش را برداشته تا به زیارت امام حسین علیه‌السلام بشتابد، این خود یکی از بزرگترین مصداق توکل است که فرد در زندگی خود می‌تواند انجام دهد، چنانچه در زیارت نامه معصومان علیهم‌السلام هم می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجْهَتُ وَجْهِي وَعَلَيْكَ خَلْفَتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا حَوَّلْتَنِي» (قمی، ۱۳۸۶: ۳۰۵).

۷-۱۳. رضا

رضایت به مشیت الهی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق عرفانی است، زائرینی که در دوران صدام یا داعش این مراسم را به پا داشتند، و هیچ ترسی از آنها نداشتند، و راضی به رضا حق و دل در مسیر می‌دادند و پا در مسیر می‌نهادند. راه دستیابی به رضا، توکل است.

۷-۱۴. ذکر دائم

زائران اربعین، در طی مسیر خود، طبق آداب زیارت، از سخن لغو و بیهوده پرهیز کرده و دائماً در تفکر و ذکر بسر می‌برند (قمی، ۱۳۹۴: ۹۶). از این رو، ذکر، باعث حضور قلب و تقرب وی به خدا و یقین به ولایت ائمه معصومین می‌شود (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۶/۱).

۷-۱۵. حبّ و بغض برای خدا

حبّ و بغض برای حق، در زائران اربعین حسینی دیده می‌شود، زیرا امام حسین علیه‌السلام را برای خدا دوست دارند و دشمنان‌شان را برای خدا دشمن می‌دارند. چنانچه در زیارت ایشان نیز چنین اقراری می‌کنند: «یا اَعْبُدِ اللّٰهَ اِنِّیْ سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلَمَکُمْ وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَکُمْ» (الطوسی، ۱۴۱۱: ۷۷۲/۲). این یعنی محوریت حبّ و بغض او، اباعبدالله الحسین علیه‌السلام است، این محبت با بیان «مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِیْ، وَ مَنْ أَحَبَّنِیْ فَقَدْ أَحَبَّ اللّٰهَ؛ هر که حسنین را دوست بدارد، مرا دوست داشته است» (ابن حیون، ۱۴۰۹: ۱۰۷/۳)، به محبت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله منتهی می‌شود، البته حب رسول بدون حب اولاد حقّه ایشان معنایی ندارد کما اینکه امام رضا علیه‌السلام فرمودند: که از آباء طاهرینم و ایشان از خاتم النبیین و ایشان از جبرائیل و ایشان از حضرت حق تعالی نقل کردند که: «لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ حِصْنِیْ فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِیْ اَمِنَ مِنْ عَذَابِیْ بِشُرُوطِهَا وَاَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» لاله‌الاله حصار منست پس هر که در حصار من داخل شود از عذاب من ایمن باشد، با شروط آن و من از جمله شروط آنم (ابن بابویه، ۱۳۹۴: ۲۳/۲۵/۱). لذا شناخت امام، و شرط قبول امام و ولایت ایشان مهم است و گرنه حب الله، بدون حب ولیّ خالی از مؤلفه هدایت است.

۷-۱۶. روحیه سپاسگذاری و شکر

شکر یعنی قدردانی از نعمت‌های خدا و استفاده صحیح از آن‌ها. شکر نیز یکی از فضایل اخلاق عرفانی است که در قیام حسینی و پیاده روی اربعین مشهود است. امام حسین علیه‌السلام با شکرگزار بودن از خدا، همه نعمت‌های الهی را در راه خیر و برکت به کار گرفت و حتی در لحظات سخت،

خدای خود را حامد دانست. زائران اربعین نیز با شکرگزار بودن از خدا، همه نعمت‌های الهی را در راه زیارت به کار می‌گیرند و حتی در لحظات دشوار، خدای خود را مَنان می‌دانند. راهکار دستیابی به شکر، فهم و یاد نعمات الهی و عمل به وظایف خداوند است.

۸. نتیجه‌گیری

۱. پس از قرآن کریم و سنت، «اربعین حسینی»، یکی از مهمترین خاستگاه «اخلاق عرفانی» است، که «تبلیغ ولایت، نماد بندگی، تجلی آیه‌ی محبت، تجلی آیات سیر و سیاحت، تخلق به اخلاق الهی، پویایی و حرکت، اجتماع مؤمنان با محور ولایت، اُخُوّت و برادری در محشر اربعین، توبه و بازگشت به حضرت حق، زهد و ورع، صبوری و استقامت، توکل، رضا، ذکر دائم، حبّ و بغض برای خدا، شاکر بودن و... از جمله مؤلفه‌های اخلاق عرفانی برآمده از اربعین حسینی است.

۲. خاستگاه برپایی اربعین در ماه صفر، شاید از روایت «علامات المؤمن» از امام صادق علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام باشد که ذیل آن، زیارت اربعین را از علامات مؤمن برشمردند.

۳. عدد چهل در سیر و سلوک به سوی خدا دارای اسراری است. خلوص قلب و اخلاص عمل و جوارح در چهل شبانه‌روز و پرهیز از لغزش و گناه، سبب صفای روح و بهره بردن از فیوضات معنوی خواهد شد

۴. زیارت حضرت سید الشّهداء در روز اربعین از نشانه‌های ایمان و از مختصات شیعه می‌باشد، و امام حسن عسکری علیه‌السلام آن را بعنوان شعار و علامت شیعه بیان فرموده‌اند.

۵. تمام یا قریب به اتفاق افرادی که در این مراسم شرکت می‌کنند مسلمان هستند، ولی توحیدی بودن یک مراسم، به توحیدی بودن هدف و انگیزه شرکت در آن است. افرادی که در مراسم اربعین شرکت می‌کنند، به عنوان زائر یا خدمت‌رسان، هدف و انگیزشان، الهی و به عشق سالار شهیدان است و تجلی این عشق واحد در اربعین، باعث تحول در برخی از غیر مسلمانان شده، و موجب توجه ایشان به اسلام گردید.

۶. وجه افتراق حب الهی در اقشار مختلف، مؤلفه ولایت است که موجب هدایت می‌گردد، برخی از مسلمین، اهل البیت علیهم‌السلام را قبول ندارد یا تعدادی از ایشان را قبول دارند، ایشان حب الله را دارند، ولی بهره‌ای از هدایت نیافتند، زیرا خداوند فرموده است: هر کس از خدا و رسولش پیروی کند به فوز عظیم می‌رسد (احزاب، ۷۱) و اطاعت از رسول یعنی قبول امر ایشان در بحث ولایت، لذا وجه افتراق هدایت یافتن، نداشتن حب و بغض (به ساحت مقدس ۱۴ معصوم) نمی‌باشد (فرقه زیدیه و اسماعیلیه).

۷. ولایت اهل البیت علیهم السلام باعث هدایت عام اقشار می‌گردد که اربعین بزرگترین تجلی عشق به ولایت است.

۸. اباعبدالله الحسین علیه السلام صاحب نفس مطمئنه و تجلی آیات پایانی سوره فجر می‌باشند؛ تجلی آیه قرآن، مانند قرآن هدایتگر است، از این باب ایشان عامل هدایت عامه اقشار بشر می‌باشند.



منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، ابی جعفر محمد بن علی (۱۴۰۴). عیون أخبار الرضا (ع). حسین الاعلمی. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع. محمد صادق بحر العلوم. قم: مکتبه الداوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع، نجف: المکتبه الحیدریه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۴). متن و ترجمه توحید ابن بابویه. خلیل الله مسائلی. قم: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
- ابن بسطام، عبد الله (۱۳۷۵). طب الأئمة علیهم السلام. محمدمهدی خراسان. نجف: المطبعة الحیدریه.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، و حسینی جلالی، محمد (۱۴۰۹). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن طاووس، السید علی بن موسی (۱۴۱۷). مصباح الزائر. قم: موسسه ال البيت احیاء التراث.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). کامل الزیارات. عبدالحسین امینی. نجف: دار المرتضویه.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۶). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. محمد جعفر یاحقی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اسماعیلی، مسعود (۱۳۹۰). اصطلاحات عرفان اسلامی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- انصاری، عبد الله بن محمد (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری. علی اصغر حکمت و احمد بن محمد میدی. تهران: امیرکبیر.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۸۹). ترجمه تفسیر روای البرهان. تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. جلال الدین محدث. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- البروجردی، سید حسین طباطبائی (۱۴۱۵). جامع احادیث الشیعۀ فی أحكام الشریعۀ. اسماعیل المعزی الملایری. قم: نشر الصحف المطبوعه المهر.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر جامع. تهران: کتابخانه صدر.
- بلاغی، عبدالحجه (۱۳۸۶). حجه التفاسیر و بلاغ الإکسیر. قم: چاپخانه حکمت.
- پاکنیا، عبدالکریم تبریزی (۱۳۸۸). پیام اربعین در زیارت اربعین. ماهنامه مبلغان. شماره ۱۲۴.
- الترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵). الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی. ابراهیم عطوه عوض المدرس و محمد فواد عبدالباقی و احمد محمد شاکر. مصر: شرکه مکتبه و مطبوعه مصطفى البابی الحلبي.
- جعفری مراغی، یعقوب (۱۳۷۶). تفسیر کوثر. قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۰). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی. قم: نشر اسراء.
- حاکم نیشابوری (۱۴۱۱). المستدرک علی الصحیحین. مصطفی عبد القادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن، (۱۳۶۷). وسائل الشیعۀ. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث.
- الحکیم، السید محمد تقی (۱۴۱۶). حواریات فقهیه وفق فتاوی سماحه آیه الله العظمی الفقیه السید محمد سعید الطباطبائی الحکیم. بیروت: مؤسسه المنار.
- الحلی، جمال الدین (۱۴۰۷). عدة الداعی و نجاح الساعی. بیروت: دار الکتب العربی.

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
 رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۰). موعود شناسی و پاسخ به شبهات. قم: مسجد مقدس جمکران.
 رودگر، محمدجواد (۱۳۹۶). «ماهیت و مؤلفه‌های اخلاق عرفانی». حکمت اسلامی. شماره ۴.
 ص ۱۷۷-۲۰۲.

شعیری، محمد بن محمد (۱۲۶۷). جامع الاخبار. نجف: المطبعة الحیدریه.
 الصابونی، محمد علی (۱۴۰۲). مختصر تفسیر ابن کثیر. بیروت: دار القرآن الکریم.
 صفی علی شاه، محمد حسن بن محمد باقر (۱۳۷۸). تفسیر قرآن صفی علی شاه. تهران: منوچهری.
 صفی پوری، عبدالرحیم بن عبدالکریم (۱۳۹۶). منتهی الارب فی لغه العرب. مجد، امید. تهران: امید مجد.
 صناعی، علی (۱۳۸۸). نفیر مولوی گوهر مثنوی (بررسی تطبیقی مساله «اتحاد عاشق و معشوق» در مثنوی و حکمت متعالیه). همایش بین المللی اندیشه های جهانی مولانا جلال الدین محمد بلخی. رودهن: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

طباطبائی بروجردی (بحرالعلوم)، سید محمد مهدی. (۱۴۲۸). رساله سیر و سلوک منسوب به بحرالعلوم. مشهد: نور ملکوت قرآن.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر المیزان. محمد باقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی. قم.

طبرانی، أبو القاسم (۱۴۱۵). المعجم الأوسط. طارق بن عوض الله بن محمد و عبد المحسن بن ابراهیم الحسینی. القاهرة: دار الحرمین.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۵۹). ترجمه تفسیر مجمع البیان. تهران: فراهانی.
 طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر جوامع الجامع. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۶۵). مکارم الاخلاق. ابراهیم میرباقری. تهران: فراهانی.
 طوسی. محمد بن حسن (۱۴۱۱). مصباح المتهجد. علی اصغر مروارید و ابوذر بیدار. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
 طوسی. محمد بن حسن (۱۳۸۸). ترجمه امالی شیخ طوسی. صادق حسن زاده. قم: اندیشه هادی.
 طوسی، خواجه نصیر (۱۴۱۳). اخلاق ناصری. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
 طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام. حسن خراسان و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

عراقی. أبو الفضل زین الدین عبد الرحیم بن الحسین (۱۴۲۶). المغنی عن حمل الأسفار فی الأسفار. فی تخریج ما فی الإحیاء من الأخبار. مطبوع بهامش إحیاء علوم الدین. بیروت: دار ابن حزم.
 غزالی. ابی حامد محمد بن محمد (نامشخص). احیاء علوم الدین. عبد الرحیم بن حسین حافظ عراقی. بیروت: دار الکتب العربیة.

فنائی اشکوری. محمد (۱۳۹۲). «نظریه عرفانی اخلاق». پژوهشنامه اخلاق. شماره ۲۱. صص ۷۷-۶۹.
 قرائتی. محسن (۱۳۷۴). تفسیر نور. قم: موسسه در راه حق.
 قرشی بنابی. علی اکبر (۱۳۷۴). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
 قمی. عباس (۱۳۹۴). مفاتیح دانشجویی. حسن قدوسی زاده. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. دفتر نشر معارف.

- قمی. عباس. الهی قمشه ای. مهدی (۱۳۸۶). مفاتیح الجنان. قم: اسوه.
- کاشانی. فتح‌الله بن شکرالله (۱۳۸۸). تفسیر خلاصه منهج الصادقین. حسن حسن زاده آملی. قم: بوستان کتاب قم انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- کراچکی، ابی‌الفتح محمد بن علی. (۱۴۱۰). کنز الفوائد. عبد الله نعمه. قم: دار الذخائر.
- کرباسیان، ملیحه (۱۳۹۸). «چهل». مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. <https://www.cgie.org.ir/>
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. تهران: مؤسسه الوفاء.
- مستغفری، أبو‌العباس جعفر بن محمد. (۱۳۸۵). طب النبوی. نجف: المكتبة الحیدریه.
- مشهدی، الشیخ أبو عبد الله محمد بن جعفر. (۱۴۱۹). المزار الكبير. جواد القیومی. تهران: نشر القیوم مؤسسه النشر الإسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار ط-صدرا. تهران: صدرا.
- مفید. محمد بن محمد (۱۴۱۳). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). المزار. محمدباقر ابطحی. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ملا یوسفی، مجید، چگینی. صفورا (۱۳۹۵). پژوهشنامه‌متین. سال هجدهم. شماره هفتاد. صص ۱۱۳-۱۳۶.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۷). کتاب سلیم بن قیس الهلالی. تهران: مؤسسه البعثه. قسم الدراسات الإسلامیه.
- همدانی حسینی، محمد (۱۳۸۰). انوار درخشان در تفسیر قرآن. تهران: کتابفروشی لطفی.

Research Article

Arbaeen Hosseini from the point of view of morality and mysticism

Mohammad Hossein Mardani Nokandeh¹

Date of received: 2022/10/07

Date of Accept: 2023/02/14

Abstract

The origin of Arbaeen is the love of God and love for the province. Hosseini's Arbaeen is the origin of mystical ethics and educational implications for the seeker to reach the truth. Mystical ethics is one of the topics that have attracted the attention of ethics scholars. However, less attention was paid to Hosseini's Arbaeen event with this approach. The present research method is descriptive-analytical and the main research question is what are the components of mystical ethics in Hosseini's Arbaeen? The result of the present research is that after the Holy Quran and the Sunnah, "Arbaeen Hosseini" is one of the most important origins of "mystical morality", which is "honesty, servitude, love for the Prophet of Truth, connection with the Beloved, unity of the Muslim community, repentance, piety, asceticism, patience, trust, satisfaction, constant remembrance, love and hatred for God" are among them.

Keywords: Arba'in, Hosseini's Arba'in, mystical ethics, components of mystical ethics.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Mardani Nokandeh, Mohammad Hossein (Summer 2023). "Arbaeen Hosseini from the point of view of morality and mysticism". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 6, Num. 2, S.No. 22, pp. 97 - 122.

¹. Lecturer of classical and contemporary philosophy, Golestan University, Gorgan, Iran.
Email: Ayate.boostan@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

The Holy Quran

- Abolfatuh Razi, Hossein bin Ali (1376). *Ruz al-Jannan and Ruh al-Jannan in Tafsir al-Qur'an*. Mohammad Jafar Yahaghi. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.(in Persian)
- Al-Hakim, Al-Sayyid Mohammad Taqi (1416). *Jurisprudence according to the fatwa of Ayatollah Azami al-Faqih al-Sayed Muhammad Saeed al-Tabatabai al-Hakim*. Beirut: Al Manar Foundation.
- Al-Halli, Jamal al-Din (1407). *Kitad al-Da'i and Najah al-Sa'i*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Al-Hur al-Amili, Muhammad bin Al-Hassan, (1367). *Shiite means*. Qom: Al-Al-Bayt Foundation for Revival of Tradition.(in Persian)
- Al-Jordi, Seyyed Hossein Tabatabai (1415). *The collection of Ahadith al-Shi'a in the provisions of the Shari'a*. Ismail Al-Moazi Al-Malairi. Qom: Al-Saaf al-Muttaba al-Mahr publishing house.
- Al-Tirmidhi, Muhammad bin Isa (1395). *Al-Jamae al-Sahih and Sunan al-Tirmidhi*. Ebrahim Atwa Awad Al Madras, Mohammad Fawad Abdul Baqi, and Ahmad Mohammad Shakir. Egypt: Mostafa Al-Babi Al-Halabi Publishing House.(in Persian)
- Ansari, Abdullah bin Muhammad (1371). *Kashf al-Asrar and many famous interpretations of Khwaja Abdullah Ansari*. Ali Asghar Hekmat and Ahmad Bin Mohammad Meibdi. Tehran: Amir Kabir.(in Persian)
- Ask forgiveness, Abu al-Abbas Ja'far bin Muhammad. (1385). *Medicine of the Prophet Najaf*: Al-Maktaba Al-Haydariyyah.(in Persian)
- Bahrani, Hashim bin Suleiman (1389). *Translation of Al-Barhan's Narrative Commentary*. Tehran: Institute of Public Libraries of the country.(in Persian)
- Balaghi, Abdul Hajjah (1386). *Hajjat al-Tafaseer and Balagh al-Elixir*. Qom: Hekmat Printing House.(in Persian)
- Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid (1371). *Al-Mahasen Jalaluddin Muhaddith*. Tehran: Islamic Books Dar.(in Persian)
- Boroujerdi, Seyyed Mohammad Ibrahim (1366). *Comprehensive commentary*. Tehran: Sadr Library.(in Persian)
- Esmaili, Masoud (2013). *Terms of Islamic mysticism*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.(in Persian)
- Fanai Ashkuri Muhammad (1392). "The mystical theory of ethics". *Ethical research paper*. No. 21. pp. 77-69.(in Persian)
- Ghazali Abi Hamed Muhammad bin Muhammad (unknown). *Revival of Ulum al-Din*. Abdul Rahim bin Hossein Hafiz Iraqi. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Gray. Mohammad bin Hassan (1388). *Translated by Amali Sheikh Tusi*. Sadegh Hassanzadeh. Qom: Andiseh Hadi.(in Persian)
- Gray. Muhammad bin Hassan (1411). *Misbah al-Mutahjad* Ali Asghar Marwarid and Abuzar Bidar. Beirut: Institute of Shiite Jurisprudence.
- Hamdani Hosseini, Mohammad (1380). *Bright lights in the interpretation of the Qur'an*. Tehran: Lotfi bookstore.(in Persian)

- Helali, Salim bin Qays (1407). The book of Salim bin Qais al-Hilali. Tehran: Al-Baath Institute. Department of Islamic Studies.*
- Ibn Baboyeh, Muhammad bin Ali (1394). Text and translation of Tawheed by Ibn Babouyeh. Khalilullah issues. Qom: Computer Research Center of Qamiyeh, Isfahan.(in Persian)*
- Ibn Babuyeh, Abi Jafar Muhammad bin Ali (1404). Ayun Akhbar al-Reza (AS). Hossein Al-Alami Beirut: Al-Alami Publishing House.*
- Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali (1362). Al Khasal Ali Akbar Ghaffari Qom: Society of teachers.(in Persian)*
- Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali (1385). Al-Shari'a, Najaf: Al-Haidariya Library.*
- Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali (1385). The causes of the law. Mohammad Sadiq Bahrul Uloom. Qom: Al-Davari School.(in Persian)*
- Ibn Bastam, Abdullah (1375). The medicine of the Imams, peace be upon them. Mohammad Mehdi Khorsan. Najaf: Al-Mattaba Al-Haydriya.(in Persian)*
- Ibn Hayyun, Noman bin Muhammad, and Hosseini Jalali, Muhammad (1409). Sharh al-Akhbar in the virtues of Imams al-Atahar. Qom: Islamic publishing office affiliated with the seminary teachers community.*
- Ibn Qolwieh, Jafar bin Muhammad (1356). Kamel al-Ziyarat Abdul Hossein Amini. Najaf: Dar al-Mortazawieh.*
- Ibn Tavus, Al Sayyid Ali Ibn Musa (1417). Misbah al-Zaer Qom: El-Al-Bayt Institute of Cultural Heritage.*
- Iraqi. Abu al-Fazl Zain al-Din Abd al-Rahim bin al-Hussein (1426). Al-Mughni on Hamal al-Asfar fi al-Asfar. In our withdrawal, in the revival of my news. Mabib Bhamesh revival of Ulum al-Din. Beirut: Dar Ibn Hazm.*
- Jafari Maraghi, Yaqoub (1376). Commentary on Kausar. Qom: Hijrat Publications Institute.(in Persian)*
- Javadi Amoli, Abdullah (1400). The flourishing of intellect in the light of Hosseini's movement. Qom: Esra Publishing House.(in Persian)*
- Karajki, Abi al-Fath Muhammad bin Ali. (1410). treasure of benefits Abdullah Nameh. Qom: Dar Zakhaer.(in Persian)*
- Karbasiyan, Maleeha (2018). "Forty". The center of the great Islamic encyclopedia. <https://www.cgie.org.ir/>.(in Persian)*
- Kashani Fethullah bin Shukrallah (1388). Summary interpretation of the al-Sadeghin method. Hassan Hassanzadeh Amoli. Qom: Bostan Kitab Qom Publications Office of Islamic Propaganda of Qom Seminary.(in Persian)*
- Majlesi, Mohammad Baqer (1403). Bihar Al-Anwar Tehran: Al-Ofa Foundation.*
- Makarem Shirazi, Nasser (1374). Sample interpretation. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.(in Persian)*
- Mashhadi, Al-Sheikh Abu Abdullah Muhammad bin Jafar. (1419). Al-Mazar al-Kabir Javad Al-Qayoumi. Tehran: Al-Qayyom Publishing House.*
- Melayousofi, Majid, Chegini. Safora (2015). Matin research paper. Eighteenth year number seventy pp. 113-136.(in Persian)*

- Mofid, Muhammad bin Muhammad (1413). *Al-Mazar Mohammad Bagher Abtahi*. Qom: Sheikh Mufid Hazara World Congress.
- Motahari, Morteza (1389). *A collection of works by Al-Sadra*. Tehran: Sadra.(in Persian)
- Paknia, Abdul Karim Tabrizi (1388). *The message of Arba'in during the pilgrimage of Arba'in*. Missionaries monthly. Number 124.(in Persian)
- Qami Abbas (2014). *Student benefits*. Hassan Qudousizadeh. Qom: Organization representing the highest leadership positions in universities. Ma'arif Publishing House.(in Persian)
- Qami Abbas. Elahi Qomshei Mehdi (1386). *Mufatih al-Jannan*. Qom: Asveh.(in Persian)
- Qureshi Bonabi Ali Akbar (1374). *Ahsan hadith commentary*. Tehran: Baath Foundation.(in Persian)
- reading Mohsen (1374). *Interpretation of light*. Qom: Righteousness Institute.(in Persian)
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (1387). *Interpretation of the Koran Mehr*. Qom: Researches of Tafsir and Sciences of the Qur'an.(in Persian)
- Rizwani, Ali Asghar (2010). *Promises and answers to doubts*. Qom: Jamkaran Holy Mosque.
- Rodger, Mohammad Javad (2016). "The nature and components of mystical ethics". *Islamic wisdom*. No. 4. pp. 177-202.
- Sabouni, Muhammad Ali (1402). *Brief interpretation of Ibn Kathir*. Beirut: Dar al-Qur'an al-Karim.
- Safi Ali Shah, Muhammad Hassan bin Muhammad Baqir (1378). *Commentary on the Qur'an by Safi Ali Shah*. Tehran: Manochehri.
- Safipuri, Abdul Rahim bin Abdul Karim (2016). *The end of the Arab in the Arabic language*. Majd, Omid. Tehran: Omid Majd.(in Persian)
- Sanyaee, Ali (1388). *Nafir Maulvi Gohar Masnavi (comparative study of the issue of "unity of lover and beloved" in Masnavi and transcendental wisdom)*. International Conference of the World Thoughts of Maulana Jalaluddin Mohammad Balkhi. Roudhen: Islamic Azad University, Roudhen branch.(in Persian)
- Shayiri, Muhammad bin Muhammad (1267). *Jame Al-Akhbar Najaf: al-Mattaba al-Haydriya*.
- Tabarani, Abu al-Qasim (1415). *al-Mawjam Al-Awsat Tariq bin Awadullah bin Muhammad and Abdul Mohsen bin Ibrahim al-Husseini*. Cairo: Dar al-Haramein.(in Persian)
- Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hassan (1359). *The translation of the interpretation of Majam al-Bayan*. Tehran: Farahani.(in Persian)
- Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hassan (1374). *Translation of Tafsir Jama'a Al Jama*. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.(in Persian)
- Tabarsi, Hassan bin Fazl. (1365). *Makaram al-Akhlaq*. Ebrahim Mirbagheri. Tehran: Farahani.(in Persian)

- Tabatabai Boroujerdi (Bahrul Uloom), Seyyed Mohammad Mahdi. (1428). A treatise on conduct attributed to Bahrul Uloom. Mashhad: Light of the Kingdom of the Qur'an.(in Persian)*
- Tabatabai, Mohammad Hossein (1378). Translation of Tafsir al-Mizan. Mohammad Bagher Mousavi. Qom: Society of teachers of Qom Seminary, Office of Islamic Publications, Qom.(in Persian)*
- The ruler of Nishaburi (1411). Al-Mustadrak Ali Sahihin. Mustafa Abdul Qadir Atta. Beirut: Dar Kitub Al-Alamiya.*
- Tusi, Khwaja Nasir (1413). Ethic of Naseri. Tehran: Islamic Scientific Publications.*
- Tusi, Muhammad bin Hassan (1365). Tahzeeb al-Ahkam. Hassan Khorsan and Mohammad Akhundi. Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyyah.(in Persian)*
- useful. Muhammad bin Muhammad (1413). Al-Irshad in the knowledge of Hajjaj-Allah Ali-ul-Abad. Qom: Sheikh Mufid Hazara World Congress.*



پروفیسر کاہنشاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی

برائے اعلیٰ تعلیم اسلامی